**بسم الله الرّحمن الرّحیم**

**قسمت سوم - شبهه سوم:**

**قصّه امام زمان به قدری فرقه ای و خرافه آلود است که قبیح و ملال آورگشته، از به دار آویختن ابوبکر و عمر بعد از ظهور گرفته تا حکومت ۴۴۰۰۰ ساله علی بن ابیطالب علیه السلام بعد از وفات امام زمان علیه السلام ما چطور به این عقاید ، معتقد باشیم !!!**

بنده در جواب این سخن عرض کنم:

**نکته اول :** عقیده مهدویت یک عقیده فرقه ای نیست . یعنی لفظ فرقه ای در گفتار فردی که این مطلب را بیان می کند نشان گر این است که ایشان مهدویت را مخصوص تشیّع می داند . در حالی که اینطور نیست . دانشمندان اهل سنّت تاکنون بیش از 250 کتاب در اثبات مهدویت نوشته اند .

یکی از نویسندگان کشور قطر مقاله ای در نقد مهدویت نوشت . **لا مهدی ینتظر بعد رسول الخیر البشر** ، بنده چند سال بعد از اینکه آن مقاله منتشر شد مشرف به حج خانه خدا شدم . بعد از احرام به کتاب فروشی های مکّه سری زدم . دیدم نویسندگان سلفی در کشور عربستان در جواب آن شیخ قطری نزدیک به 10 کتاب در اثبات مهدویت نوشته اند که عقیده مهدویت ، عقیده صحیحی و اسلامی است با اینکه آنها سلفی و ضد شیعه هستند .

در صحاح ستّه که محور دینیات اهل سنّت است ، در صحیح بخاری و مسلم روایات مربوط به مهدویت بدون ذکر نام امام مهدی علیه السلام است . در صحیح سنن ابوداوود ، ترمذی و ابن ماجه ، اینها نه فقط روایات مهدویت را نقل کرده اند ، بلکه عنوان مهدویت در فصل خودشان دارند . باب ماجاء فی المهدی ، باب فی الرویه فی المهدی در حالی که شما فهرست آن کتاب را باز کنید ، در آن کتاب فصل مهدویت را پیدا می کنید . بنابراین این گونه نیست که عقیده مهدویت یک عقیده فرقه ای باشد ، بلکه عقیده اسلامی است .

حتّی می توانیم این بحث را وسیع تر و پهناورتر بنگریم . از لفظ امام مهدی علیه السلام منتقل به منجی شویم. اگر امام مهدی علیه السلام را منجی ببینم ، اعتقاد به منجی یعنی همانی که در ادیان از آن تعبیر به مسیانیسم می کنند ، برای اسلام نیست ، در همه ادیان وجود دارد .

تبدیل کنیم به مدینه فاضله ، آرمان شهر ، یوتوپینیسم در بسیاری از آثار فلسفی و غیر دینی وجود دارد . بنابراین این عقیده ، عقیده فرقه ای نیست و این تعبیر ، تعبیر قابل دفاعی نخواهد بود .

**نکته دوم :** این عقیده بر اینکه بعد از ظهور امام مهدی علیه السلام آن حضرت بعضی از دشمنان را به دار می زنند و یا اینکه حضرت علی علیه السلام دوباره زنده می شوند و حکومتی بسیار طولانی در روی زمین برقرار خواهم کرد . در واقع عقیده به رَجعت است . عقیده رجعت مخصوص به شیعه است . برادران اهل سنّت ما به مهدویت اعتقاد دارند ولی به رجعت اعتقاد ندارند . ما در اینجا باید عقیده به رجعت را نه فقط برای این ناقد که بیانشان را عرض کردم ، بلکه برای دانشمندانی از اهل سنّت که آنها نسبت به عقیده مهدویت ما هم جبهه دارند ، هم باید اثبات کنم .

مرحوم شیخ حرّعاملی محدّث جلیل القدر شیعه صاحب کتاب بصائر الشیعه ، کتاب کم نظیری دارد که در ادبیات رجعت افتخار آمیز است . کتاب الایقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة 1 که به فارسی هم به صورت زیر نویس ترجمه شده است . دانشمندان شیعه هم کتاب در بحث رجعت بیش از 50 اثر در این زمینه تدوین کرده اند . بنده هم چند مقاله در خصوص رجعت به زبان انگلیسی دارم که در محافل غیر ایرانی منتشر شده است .

اثبات گر عقیده رجعت یک نصوص قرآنی تورات ، انجیل و همه مذاهب در زنده شدن بعضی از افراد و یا بعضی از اقوام بعد از مرگشان در همین دنیا است و این تناسخ هم نیست . این تناسخ یعنی Transmigration یا Rebirth ، زایش دوباره هم نیست .

چون در عقیده تناسخ فرد بدنش را از دست می دهد و روح برای پاداش و جزا به بدن دیگری منتقل می شود . در اینجا روح با بدن خودش یک بار دیگر در این دنیا زنده می شود و این زنده شدن ، جایگزین پاداش اخروی نیست . جایگزین جزای اخروی نیست ، جزای اخروی در جای خودش وجود دارد . لذا ما شیعیان در عین اعتقاد به رجعت ، به معاد هم معتقدیم . در حالی که تناسخیون ، اعتقاد به تناسخ را جایگزین اعتقاد به معاد می کنند .

قرآن ، تورات و همه ادیان آسمانی اینها به رجعت قوم حضرت حزقیل معتقدند . در این دنیا ، هفتاد هزار نفر زنده شدند . نام حضرت حزقیل در قرآن نیامده ، امّا داستان آن حضرت در سوره بقره آمده است . هفتاد نفر از کسانی که این ها همراه با حضرت موسی به طور رفتند ، صاعقه آنها را گرفت و حضرت موسی علیه السلام و آنها مردند و خدا همه آنها را زنده کرد .

بچه های حضرت ایوب در آن امتحان الهی توسط حوادثی که شیطان برای آنها ایجاد کرد کشته شدند و بعد

1- الايقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة اثر شيخ محمد بن حسن حر عاملى، با ترجمه فارسی آيت‌الله احمد جنتى، مجموعه‌اى روايى- استدلالى در اثبات «رجعت» و بازگشت امامان شيعه(ع) پس از قيام مهدى موعود(عج) و نقد آرا و نظارت مخالفان است كه به زبان عربى و در سال 1079ق نوشته شده است.

از پایان آن امتحان خدا همه آنها را زنده کرد. مقتول بنی اسرائیل کشته شد ، به تفصیلی که گفته شده و مطلع هستید . یک گاوی را کشتند ، قسمتی از گاو را به بدن مقتول زدند ، مقتول زنده شد و ایستاد و قاتل خودش را معرفی کرد . این ها همه نمونه رجعت است .

حضرت عُزَیر که در تورات عزراء گفته شده است.تفاوت در لهجه است .حضرت عزیر و حضرت اِرمیاء علیهما السلام اینها را خدا در همین دنیا صد سال میراند بعد زنده کرد .برای اینکه به آنها و دیگران نشان دهد که **إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ** « آیه 60 سوره روم » و اینکه خدا مرده ها را بعد از مرگشان زنده خواهد کرد . یعنی نمونه ای از معاد را در این دنیا به آنها عرضه کند .

یکی از معجزاتی حضرت عیسی علیه السلام مرده زنده کردن بود . تمامی اینها ، رجعت در همین دنیاست . اصحاب کهف در قرآن هست و در کتابهای قبلی نیست . اصحاب کهف سیصد و اندی سال خوابیدند و یا به تعبیر دیگری مردند **وَكَذَلِكَ أَعْثَرْنَا عَلَيْهِمْ** **لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ** « آیه 21 سوره کهف» ما افراد را بر داستان اصحاب کهف که از آن بی خبر بودند مطلّع کردیم . **ذلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَ أَنَّهُ يُحْيِ الْمَوْتى ‌** « آیه 6 سوره حج » بنابراین مسأله رجعت در کتابهای آسمانی نمونه های فراوانی دارد .

در قرآن به هدایت روایات اهل بیت علیهم السلام شصت و چند آیه در اثبات رجعت وجود دارد که مرحوم شیخ حرّ در کتاب الایقاظ این آیات را ذکر کرده است . از همه این آیات در بحث رجعت روشن تر ، این آیه است :

**آیه 83 سوره نمل :**

**وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجاً مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآياتِنا فَهُمْ يُوزَعُونَ**

روزی که ما گرد می آوریم ( حشر یعنی گرد آوردن ) از هر امتّی یک عده ای را ، بنابراین همه امت را نه ، بلکه قلیلی از هر امتّی را محشور می کنیم . این آیه مربوط به قیامت نیست . چون حشر اخروی ، حشر عام است . همه انسانها ، همه جن ها در آن محشور می شوند . بنابراین این مربوط به قیامت نیست و مربوط به صحنه ای غیر از قیامت می شود که بعضی از مرده ها در آن صحنه زنده می شوند .

بنابراین ، این آیه جزو آیاتی است که در مورد رجعت می توان آن را بکار برد . عقیده رجعت ، عقیده ای قرآنی است ، که نه خرافی و نه ملال آور است . ما باید به مدارک و اسنادش مراجعه کنیم تا بتوانیم این عقیده را همراه با براهین نقلی آن برای افراد تعبیر کنیم .

از نظر عقلی هم اگر ما معتقد باشیم

**1-**به اینکه خدا بر هر چیزی تواناست .

**2-** خلقت نخستین انسان ، اثبات گر خلقت دوباره انسان در همین عالم است .

**3-**آفرینش های برتر خدا ، مانند خلقت کهکشانها ، اینها نشانگر این مسأله است که زنده شدن انسان ها در این عالم ، مخالفت و مزاحمتی با عقل انسان و انسان عقل گرای امروز نخواهد داشت .

**التماس دعای فرج**

ن

پ